

مولن کوچک

رمان

ژان لویی فورنیه

ترجمه‌ی

محمود کربانی



انتشارات فروارید

سرشناسه:	فورنیه، ژان لویی
عنوان و نام پدیدآور:	Fournier, Jean-Louis
مشخصات نشر:	مولن کوچک (رمان)
مشخصات ظاهری:	تهران: مروارید، ۱۳۹۴.
شابک:	۶۹ ص.
	978-964-191-397-9
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبای مختصر
یادداشت:	فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir
	قابل دسترسی است.
یادداشت:	عنوان اصلی: Le Petit Meaulnes
شناسه افزوده:	گودرزی، محمود، ۱۳۵۶-
شماره کتابشناسی ملی:	۳۸۵۲۸۷۱



انشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، به‌روی شگل، تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵
 دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶-۴۱۴۰۴۶ / ۶۶۴۸۴۶۰-۶۶۴۸۴۰۲۷ فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷
 فروش: ۶۶۴۶۷۸۴۸
www.norvarid-pub.com



مولن کوچک

ژان لویی فورنیه

ترجمه‌ی محمود گودرزی

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول ۱۳۹۴

چاپخانه: کارنگ

تیراژ ۱۱۰۰

شابک: ۹-۳۹۷-۱۹۱-۹۶۴-۹۷۸-978-964-191-397-9 ISBN:

۶۰۰۰ ریال

از آن جا که اسم فورنیه است گاهی از من می پرسند آیا
 «مولن بزرگ»^۱ را من نوشته ام؟
 من هم مجبور می شوم بگویم نه، و هر بار احساس می کنم که
 من لطیف را مأیوس می کنم.
 به همین دلیل تصمیم گرفتم «مولن کوچک»^۲ را بنویسم.
 الا من رانم بگویم: شاید «مولن بزرگ» را نوشته باشم، ولی
 «مولن کوچک»^۳ را من نوشته ام.

ژان لویی فورنیه^۴

۱. Le Grand Meaulnes رمانی که آنری آلبن فورنیه ملقب به آلن فورنیه (۱۸۸۶-۱۹۱۴) نوشته است.

2. Le Petit Meaulnes

3. Jean-Louis Fournier

سخنی با خوانندگان

ممکن است طرفدارانِ «مولن بزرگ» از برخی مطالب این کتاب جا بخورند. آن‌ها باید بدانِ کوچک را عفو کنند، چون آدم‌ها عادت دارند چیزی را که دوست دارند مسخره کنند.

او برادر بزرگ‌تر خودش را مسخره می‌کند و با تمام این اوصاف، دوستش دارد. محبتِ او با برادر بزرگ‌تر و ترحمِش نسبت به کسی که بعد از اوریون، رمانتیسزم گرفته است از لابه‌لای ریشخندها، مبالغه‌ها و شوخی‌هایش کاملاً مشخص است.

این کتاب در هر صورت فرصت خوبی است برای خواندن یا خواندنِ مجددِ «مولن بزرگ».

وقتی عنوانِ «مولن کوچک» را می‌خوانیم گمان می‌کنیم یک اشتباه بزرگ چاپی رخ داده است، خطای کارگر چاپخانه و یا بدتر، یک نوع بازی تحریک‌آمیز با کلمات برای خنداندنِ مردم بوده است.

موضوع این نیست. مولن کوچک وجود دارد و من او را دیده‌ام. اولین

بار در صفحه‌ی یازده کتاب «مولن بزرگ» بود. آن‌جا حضوری کوتاه دارد.^۱ معلوم می‌شود که نامش آنتوان است، از مولن بزرگ کوچک‌تر است و در طفولیت مُرده است.

بار دوم در خاطراتی بود که از خود به‌جا گذاشته است. زیرا در حقیقت مولن کوچک در کودکی نمرده است.

مولن کوچک می‌نویسد «اصلاً خوب نیست که آدم به‌خاطرِ برادرِ بزرگ و بالاسر خودش کوچک باشد». او می‌داند چه می‌گوید، چون کردگی‌اش را با برادرِ بزرگ‌ترِ نابغه‌ای گذرانده که گاه بیش از حد تحویل گرفته و گاه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ باطنی خفه کرده است.

«وقتی می‌آمدن عساکر می‌کردم دیگر وجود ندارم. بااین‌حال من هم حرف‌های جالبی برای گفتن داشتم.»

مولن کوچک از پس این مشکل برآمد چون ذات پاک و شعور روستایی خوبی داشت. او فهمید تنها با ترکِ خانواده‌اش می‌تواند شکوفا شود، خانواده‌ای که در آن کسی جز سره‌اش او را نمی‌پذیرفت و دوست نمی‌داشت: «وقتی به خانه برمی‌گردم تنها سه‌هزارم و به‌شکل به‌نظر می‌آید.» مولن کوچک با مهربانی و بی‌رحمی، همان‌طوری که خصلت کودکان است، خاطراتش را برای ما نقل می‌کند. درست است که مولن بزرگ جان سالم به‌در نمی‌برد، اما نمی‌توان گفت که روحیه‌ی انتقام‌جویی بر برادر کوچک‌تر چیره است: «نباید تصور کنید که می‌خواهم انتقام بگیرم، چون به‌هرحال او را دوست داشتم.»

قصه‌ی او نور تازه‌ای بر شخصیتِ مولن بزرگ می‌تابد. عدم تعادل روانی

۱. «آنتوان که یک شب پس از بازگشت از مدرسه و بعد از شنا با برادرش در یک برکه‌ی گندیده مُرده بود.»

و علاقه‌ی شوم او که اکنون برملا شده است، شخصیتش را برای ما رقت‌انگیز و صمیمی‌تر می‌کند. و البته ما که مولن را در جوانی ترک کردیم تا به سوی ماجراهای تازه برویم، اکنون با دیدن مجدد او در پنجاه‌سالگی با شگفتی بزرگی روبه‌رو می‌شویم.

ماجرای غم‌انگیز پایان رمان مجبورمان می‌کند به‌رغم همه‌چیز، قضاوتی بسیار سختگیرانه نسبت به مولن کوچک داشته باشیم. شاید برخی فکر کنیم که مولن بزرگ حق او را نخورده است...

www.ketab.ir